



اختصاص داده است. گروه فومنی هزاره‌ها از نژاد زرد، دارای چهره ترکی، مغولی هستند، هرچند برخی از پژوهشگران قوم پادشده را از نژاد سفید دانسته و پاپشنون‌ها و تاجیک‌ها دارای نژاد مشترک برشمرده‌اند.

از هزاره‌جات در نوشته‌های قدیم با عنوان غور و غرجستان یاد شده است. بعضی از محققان هزاره‌ها را از بازماندگان قوم مغول یا از اعقاب نیروهایی به شمار می‌آورند که جنگیزخان در افغانستان گماشته بود، بعضی دیگر نیز حضور هزاره‌ها در افغانستان را مربوط به مدت‌ها قبل از حمله مغول می‌دانند؛ به ویژه آنکه مذهب هزاره‌ها، شیعه و زبان آنها فارسی است و کلمه هزاره از ریشه هزار فارسی است که از علایم نظامی یا علمات شمارش واحد‌های نظامی بوده است. گفته می‌شود عده‌ای از آنها در ایران، در نزدیکی مرزهای افغانستان زندگی می‌کنند و به هزاره‌های غربی مشهورند.

هزاره‌جات، مرکز زندگی هزاره‌ها، از طرف غرب به غور، دولتیار و هرات،

پراکندگی جغرافیایی شیعه در افغانستان

پنهان افغان و جرگه شیعیان

اصغری / پژوهشگر تاریخ

«افغانستان، سرزمین اقوام و قبایل است؛ از این‌رو هیچ مطالعه‌ای در این گشور، بدون سیاستی تعلقات قومی نمی‌تواند واقع‌بینانه و مفید باشد. با توجه به این واقعیت است که بحث توزیع و پراکندگی فومنی شیعیان می‌تواند بسیار سودمند و مفید باشد».

- از میان اقوام موجود در افغانستان
- امروزی برخی به تسبیح شهرت دارند که بیشتر شیعه ائمی عشی و تعدادی اسماعیلیه هستند. مهم‌ترین آنها
- سایر اقوام گوناگون شیعی در افغانستان از میان اقوام موجود در افغانستان هستند. بیشترین جمعیت شیعی افغانستان از هزاره‌ها هستند؛ به گونه‌ای که امروزه در افغانستان هزاره‌ها و شیعه وحدت مفهومی یافته‌اند.
- حضور اقوام گوناگون شیعی در افغانستان از میان اقوام موجود در افغانستان هستند. بیشتر شیعه ائمی عشی و تعدادی اسماعیلیه هستند. مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:
- هزاره یکی از چهار قوم بزرگ و عمده افغانستان است که حدود کمتر از یک‌چهارم ساکنان افغانستان را به خود





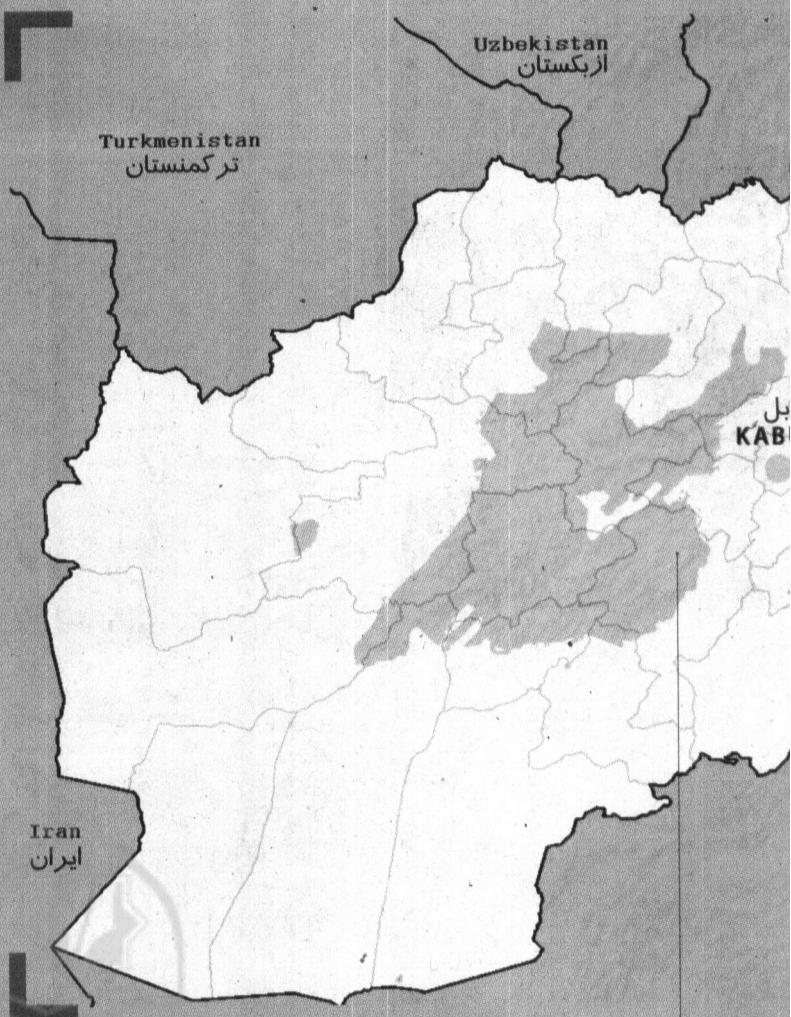
مهاجرت کردند. وسعت هزاره‌جات امروز شاید از هفتاد هزار کیلومتر مربع تجاوز نکند، در حالی که در گذشته تا حدود دویست هزار کیلومتر مربع وسعت داشته است. مناطقی چون بهمنود مشرقی، خرد کابل، ارغنده، میدان شاه، نرخ، جلبریز، تکانه، تمام مناطق وردک، بعضی از نقاط لوگر، نقاطی از گردیز، وزیرستان، زابل فعلی، قلات، مقر، شهر غزنی، قندھار، ارغنداب، حاک ریز، شاه مقصود، بست، گرشک از ولایت هلمند و فراه، زمین داور، تمام ارزگان، اجرستان، جوره، نقاطی از هرات، غوریان، قسمت‌هایی از بادغیس، قلعه نو، برخی از مناطق بدخشان و دره‌های پنجشیر... محل سکونت هزاره‌ها بوده است و در همه نقاط یادشده شواهد تاریخی فراوانی از این حضور وجود دارد.

امروزه بخش بزرگی از هزاره‌ها در بخش مرکزی و کوهستانی افغانستان به سر برند. این سرزمین کوهستانی نه فقط از نظر دفاعی و امنیتی مزیت دارد، بلکه بر خلاف نظر عده‌ای که این مناطق را فاقد منابع طبیعی تلقی می‌کنند، ثروت اقتصادی عظیمی را در خود جای داده، به گونه‌ای که مهم‌ترین معادن افغانستان مانند آهن، مس، گوگرد و زغال سنگ در هزاره‌جات قرار گرفته است.

در دهه ۱۸۹۰ م، بر اثر سیاست‌های سخت‌گیرانه عبدالرحمن خان، هزاره‌ها از املاکشان محروم شدند و فشارهای بسیاری بر آنها وارد شد. در این دوره این گروه به کارهای ساخت و سازی و ادار شدند، با آنها بسیار بدرفتاری شد و حتی در هیچ جا استخدام نمی‌شدند. همچنین هزاره‌ها با دولت کمونیستی و متمایل به شوروی (سابق) افغانستان به شدت مبارزه کردند. آنها جزء نخستین گروه‌هایی بودند که نبرد مسلحانه علیه آن رژیم را آغاز و سرزمین‌هایی را آزاد

Turkmenistan
ترکمنستان

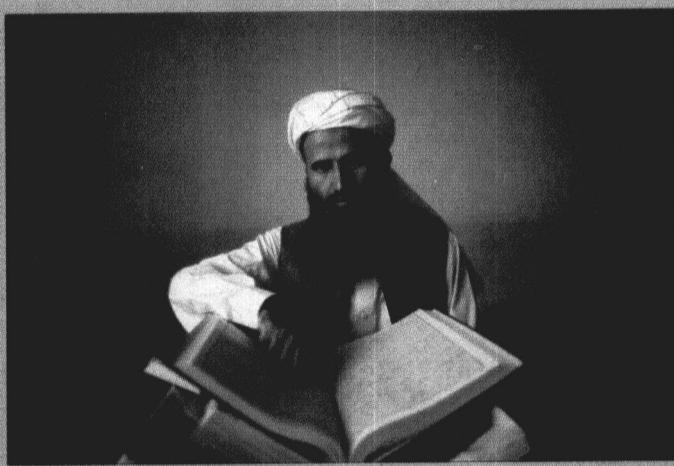
Uzbekistan
ازبکستان



هزاره‌جات، مرکز زندگی هزاره‌ها (بزرگترین گروه شیعیان در افغانستان)، از طرف غرب به غور، دولتیار و هرات، از جنوب به قندھار و نواحی گرشک و توابع فراه و اسفزار، از مشرق به غزنی، کابل، قلات و از شمال به قطغن و بلخ محدود است.

از جنوب به قندھار و نواحی گرشک و توابع فراه و اسفزار، از مشرق به غزنی، کابل، قلات و از شمال به قطغن و بلخ محدود است. پس از حمله عبدالرحمان در حدود سال‌های

هزاره‌ها با دولت
کمونیستی
و متمایل به
شوروی (سابق)
افغانستان به
شدت مبارزه
کردند. آنها
جزء نخستین
گروه‌هایی
بودند که نبرد
مسلحانه علیه
آن رژیم را آغاز
و سرزمین‌هایی
را آزاد کردند



شیعه

سنی

% ۷۰-۷۵

با توجه به گسترش شیعیان در سراسر افغانستان و پراکندگی آنها در بخش بزرگی از خاک این کشور به نظر می‌رسد که حدود ۲۵ درصد تا ۳۰ درصد از کل جمعیت افغانستان شیعه هستند. در صورت پذیرش جمعیت بیست و هفت میلیون و هفتاد هزار نفری افغانستان، پس شمار شیعیان باید حدود هشت میلیون و سیصد هزار نفر باشد.

بزرگ مانند کابل، هرات و مزارشریف و در رده آخر قندهار و در رده پایین تر همه مناطق افغانستان پراکنده هستند.

سکونت شیعیان افغانستان
مهمترین مرکز سکونت شیعیان افغانستان، مرکز آن یعنی هزاره‌جات است. هزاره‌جات از نظر جغرافیای فرهنگی حوزه‌های مستقل و متمایز است و از نظر مذهبی مرکز اصلی تبعیض افغانستان بهشمار می‌آید. پس از هزاره‌جات، کابل دومین مرکز از هزاره‌جات، طالبان به خاطر فشارهای انان، جمعیت شیعیان کابل به حداقل خود رسید، اما بعد از فروپاشی طالبان بار دیگر شیعیان به کابل بازگشتد و اکنون جمعیت چشمگیری هستند. شیعیان بیشتر در غرب کابل در مناطق فقرنژشی افشار، دشت برچی، کارته سخی، بل سرخی، بل سوخته و کرته سنگی زندگی می‌کنند.
چندالو، مرادخانی، وزیرآباد، قلعه فتح الله و خیرخانه از مکان‌های دیگر سکونت شیعیان است. شیعیان در بدخشنان و ولايت بغلان نیز حضور دارند. آنها در ولسوالی‌های بغلان، پلخمری، بدویزه شهر پلخمری دوشی و برک، متصرف شدند. شماری از شیعیان هزاره و سادات در بلخاب، سرپل و سنگ جارک زندگی می‌کنند. مرکز سکونت شیعیان در ولايت سمنگان عبارت است از دره صفووف و روی دو آب و در شهر میمنه فاریاب نیز تعدادی شیعه زندگی می‌کنند و در فراه و نیمروز، قندهار، قندوز، لوگر و پکندا.

سادات

شیعه

افغانستان

هر چند که

خدود را قومی

مستقل با

خون و نژادی

متفاوت

می‌پندارند.

در رفاقت

در میان

دیگر قوم‌ها

مثل هزاره

پراکنده‌اند.

سیدها را در

افغانستان

میر یا خواجه

می‌نامند

و نمی‌توان یک قوم را کاملاً به صورت

یکنواخت سنتی یا شیعه دانست. حتی در قبایل سنتی پشتون جمعیت‌های کوچک شیعه وجود دارد، در حالی که در قبیله‌های هزاره، که شیعه هستند، نیز افرادی یافت می‌شود که سنتی باشند. دولت اسلامی یکی از مورخان پرکار و جوان هزاره، ۳۵ الی ۴۰ درصد جمعیت افغانستان امروزی را شیعه اثنی عشری می‌داند. دایرۀ المعارف بریتانیکا نگاشش سال ۲۰۰۲ م، جمعیت شیعیان را ۱۵ درصد اعلام کرده است.

رهبران احزاب جهادی، که در سال‌های گذشته بر سر سهم شیعیان در حکومت با انان نزاع داشتند، جمعیت شیعیان را سیار ناچیر و اندک اعلام کرده‌اند، به گونه‌ای که حکمتیار، رهبر حزب اسلامی افغانستان، شیعیان را ۱۰ درصد، عبدالرسول سیاف، رهبر حزب اتحاد اسلامی افغانستان، انان را ۸ درصد و یوسف خالص، رهبر حزب اسلامی افغانستان (شاخه یونس خالص)، شمار شیعیان را ۶ درصد کل جمعیت افغانستان دانسته‌اند.

این آمارها بیشتر تخمین‌هایی انان به توسعه مذهب شیعی افغانستان خدمات شایانی کرده و همچنین به دلیل داشتن مذهب شیعه، فشارها و زجرهای سیاری را از سوی افراد و حکومت‌های متعصب متحمل شده‌اند.

سادات شیعه افغانستان هرچند که خود را قومی مستقل با خون و نژادی متفاوت می‌پندارند، درواقع در میان دیگر قوم‌ها مثل هزاره پراکنده‌اند. سیدها را در افغانستان میر یا خواجه می‌نامند.

از دیگر گروههای شیعه، بلوچ‌های منطقه سرپل در افغانستان شیعه هستند که در سورمه قلعه زندگی می‌کنند. خلیلی‌ها بیشتر در هرات و

قندهار و مزارشریف زندگی می‌کنند. تاجیک‌ها که تقریباً اموزه یک‌سوم کل جمعیت افغانستان را دربرمی‌گیرند،

اغلب پیرو مذهب حنفی‌اند، ولی عده‌ای از آنها مذهب شیعه اثنی عشری و شماری نیز مذهب اسماعیلی دارند. تاجیک‌های شیعه بیشتر در بدخشان، هرات و غزنی کنونی سکونت دارند.

قریباً همان‌ها ایرانیان هستند که برای حفظ قلمرو حاکمیت اشماری، به افغانستان منتقل شدند. انان که با خانواده‌هایشان کوچ داده شده بودند در این کشور ماندگار شدند و اموزه نیز یک گروه قومی متمایز در افغانستان بهشمار می‌آیند.

قریباً همان‌ها، که در شهرهای کابل، قندهار، هرات و شهرهای دیگر افغانستان زندگی می‌کنند، همگی پیروان مذهب شیعه اثنی عشری‌اند.

این به توسعه مذهب شیعی افغانستان خدمات شایانی کرده و همچنین به دلیل داشتن مذهب شیعه، فشارها و زجرهای سیاری را از سوی افراد و حکومت‌های متعصب متحمل شده‌اند.

سادات شیعه افغانستان هرچند که خود را قومی مستقل با خون و نژادی متفاوت می‌پندارند، درواقع در میان دیگر قوم‌ها مثل هزاره پراکنده‌اند. سیدها را در افغانستان میر یا خواجه می‌نامند.

در افغانستان نمی‌توان توافق کامل قومی یا مذهبی را در یک قطعه یافت

تجارت، وزیر ترانسپورت و وزیر امور زنان) داشتند. افزون بر این، بسیاری از شیعیان در سطوح گوناگون اداری در وزارت خانه‌ها استخدام شدند.

در اصل صدوی و یکم قانون اساسی جدید افغانستان دادگاه‌های ویژه شیعیان به‌رسمیت شناخته شد: «محاكم برای اهل تشیع در قضایای مربوط به احوال شخصی، احکام مذهب شیعه را مطابق با احکام قانون تطبیق می‌نمایند. در سایر دعاوی نیز اگر در این قانون اساسی و قوانین دیگر حکمی موجود نباشد، محاکم قضایی را مطابق احکام این مذهب حل و فصل می‌نمایند».^{۱۹}

در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۸ مهر ۱۳۸۳، حاجی محمد محقق، کандیدای شیعی، در مبارزه با پائزده نامزد سنی توانست ۱۲ درصد کل آرا را به دست آورد. در مقدمه قانون جدید افغانستان بر بی‌عدالتی‌های گذشته و در فقره هشتم همین مقدمه بر تأمين آزادی‌های انسانی و حقوق اساسی مردم و در ماده ششم بر برابری همه اقوام تأکید گردیده و رئیس جمهوری ملزم به اجرای قانون بدون لحاظ تعصبات قومی و مذهبی شده است. در قانون اساسی جدید افغانستان به شیعیان اجازه داده شد تا مثل سایر گروه‌ها فعالیت رسانه‌ای آزاد و مستقل داشته باشند. ||



و نصاب مضمین دینی مکاتب را بر مبنای مذاهب اسلامی موجود در افغانستان تدوین می‌نماید». در نظام جدید طراحی شده برای افغانستان بعد از طالبان، شیعیان نسبت به گذشته موقعیت بهتر و رضایت‌بخش‌تری به دست آورده‌اند. شیعیان در کابینه دولت موقعت و انتقالی یک معاون و رئیس دولت و پنج وزیر (وزیر پلان، وزیر رزاعت، وزیر

در نظام جدید
بعد از طالبان،
شیعیان نسبت
به گذشته
موقعیت بهتر و
رضایت‌بخش‌تری
به دست آورده‌اند

مزارشریف، هرات و هلمند شیعیان گسترشده هستند.

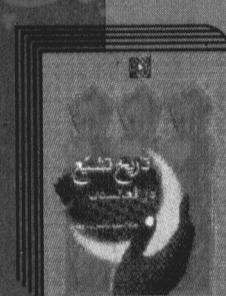
شیعیان اغلب مالک قسمت محدودی از زمین‌اند. ناحیه هزاره قسمت کوهستانی بی‌آب و علف مركزی است؛ همچنین بیانی هرات و کوههای دوردست بدخشان در مشرق، مسکن دوردست بدخشان در مغرب، مسکن شیعیان به شمار می‌آید.

شغل اصلی هزاره‌ها کشاورزی و زراعت است. شیعیان مرکز افغانستان از کمترین زمین برخوردارند، در حالی که شیعیان شمال صاحب زمین بیشتری هستند، اما این مالکیت طرف قیاس با ازیک‌ها، تاجیک‌ها و افغان‌هایست. حوزه‌های فرهنگی در افغانستان امرزوی غباراند از هرات، کابل، مزارشریف، ولسوایی (فرمانداری)، و غاغوری.

نظام جدید

قانون اساسی مصوب ۱۳۸۲، که در لویه‌حرکه تصویب شد، هر گونه تبعیض قومی و مذهبی را میان اتباع گوناگون افغانستان نفی کرد. از این پس هر فرد افغانی مسلمان می‌توانست کандیدای ریاست‌جمهوری شود و در صورت کسب آرای مردم متصرف این پست گردد. در حالی که در قواین پیشین، کандیدای ریاست‌جمهوری می‌بایست حتماً سنی حنفی بود. بر اساس ماده چهل و پنج قانون اساسی جدید افغانستان، شیعیان می‌توانستند احکام و عقاید مذهبی خود را آزادانه در مکاتب تدریس کنند: «دولت نصاب واحد تعلیمی را بر مبنای احکام دین مقدس اسلام و فرهنگ علمی و مطابق با اصول علمی طرح و تطبیق می‌کند

کتاب تاریخ تشیع در افغانستان اثر عبدالمحیج ناصری داودی است که در سال ۱۳۸۶ منتشر شد است. کتاب دارای هفت فصل است و عنوانی زیادی را دربرمی‌گیرد. نگارنده نخست با ارائه چشم‌اندازی از موقعیت جغرافیایی افغانستان، آب و هوای جمعیت و مساحت آن، سخن را آغاز کرده و با توضیح درباره اقوام هزاره، قزلباش، خلیلی، تاجیک، بلوج و پشتون فصل ابتدایی خویش را بسط داده است. داودی، معتقد است که شیعه را با قوم هزاره در افغانستان می‌شناسند و به نوعی شیعه و هزاره با هم مترادف شده‌اند: از این‌رو نویسنده به ستم هایی که این قوم طی تاریخ متحمل شده توجه ویژه‌ای کرده و توضیحات مفصل تری درباره آن بیان کرده است. در فصل دوم جگونگی و رور تشیع به افغانستان که از طریق غور انجام شد، توضیح داده شده است. در فصل سوم قسمت‌های جنوب و جنوب غرب افغانستان معرفی شده و آمد و شد اسماعیلیان، علیان، زیدیان و فرقه‌های دیگر بیان گردیده است. داودی فصل چهارم و پنجم را به تشیع به ویژه در بلخ و هرات و به طور عموم غرب افغانستان، اختصاص داده است. نگارنده موضوع ارتباطات و مناسبات بین تشیع و اهل سنت و شیوه تعامل آنها با هم را در فصل ششم گنجانده است. عوامل نفوذ و گسترش تشیع در افغانستان عنوان فصل هفتم کتاب است. کتاب تاریخ تشیع در افغانستان در نوع خود کتاب خوبی می‌تواند باشد. اما نواقصی هم دارد و ایراداتی نیز بر آن وارد است. مهم‌ترین اشکال کتاب گسترده‌گی موضوع بررسی است. نویسنده با انتخاب تاریخ افغانستان از آغاز تا قرن هفتم مورد محدوده زمانی طولانی را عرصه تحقیق خود فرار داده است. این موضوع دقت نظر نویسنده را کاهش می‌دهد و مانع از عمیق شدن محقق در رویدادها می‌گردد.



تاریخ تشیع در افغانستان